انترناسیونال ۴۶۵

ناصر اصغری

**چرا سازمان فدائیان اكثریت منفور است؟**

"هيئت سياسی ـ اجرائی سازمان فدائيان خلق ايران (اکثريت)" اخیرا اعلامیه ای منتشر كرده است تحت عنوان "گفتگو و نقد آری، تهمت و تخریب نه!" در این اطلاعیه كه سوتیتر آن هم "موج جدید تخریب سیمای سازمان" است، عنوان شده است كه سیمای سازمان اكثریت در چند هفته اخیر توسط ارگانهای اطلاعاتی و تبلیغی جمهوری اسلامی و بدخواهان این سازمان تخریب شده است. بدخواهان این سازمان هم سلطنت طلبان، نیروهای سابق و فعلی اقلیت، پیكار، بخشی از كادرهای خود این سازمان كه اكنون از آن جدا شده اند و "برخی جریانهای تندرو" عنوان شده است. در بخشی از این اعلامیه آمده است: "اقدامات اين مجموعه عليه سازمان ما، اخيرا همسو و همزمان شده است. لذا ما شاهد سربرآوردن کمپين عليه سازمان در شبکه اجتماعی فيسبوک، پرونده سازی توسط برخی نيروها و متهم کردن سازمان به لو دادن اعضای جريان های چپ در سال های ١٣٥٩ ـ ١٣٦١ بدون ارائه مدرک و سند، فحاشی و لجن پراکنی در برخی برنامه های پالتاکی و راديوئی، انتشار مطالبی نظير "سازمان فدائیان خلق ایران (اكثریت) اعلام انحلال كند"، از صندوق در آوردن برخی مطالب کهنه و انتشار آن ها در سايت ها و فيسبوک، انتشار مقالات و کوبيدن سازمان به خاطر مشارکت اعضائی از آن در اين و يا آن کنفرانس و يا گفتگو با نيروهای جنبش سبز." حق سوزی است اگر كسی بدون ارائه مدرك و سند چیزی به این سازمان بگوید، از اینرو یکی از این اسناد را از زبان یکی از رهبران این جریان نقل می کنم:

"يادم می آيد به تصميم رهبری سازمان، زنده ياد رفيق جواد، عليرضا اکبری شانديز، مقاله ای بدون امضاء نوشت در نشريه کار و بحث کرد که اين اعدام ها به زيان انقلاب است و بايد متوقف شود. از پی آن اسدالله لاجوردی از اوين زنگ زد و نام نويسنده آن مقاله را خواست. ما در جلسه دبيران سازمان تصميم گرفتيم مدير مسئول نشريه، رفيق منصور، محمدرضا غبرابی، که قبلا به حکومت معرفی شده بود، پاسخگو شود. او رفت و لاجوردی او را گروگان گرفت تا نويسنده اصلی مقاله خود را معرفی کند. رفيق منصور، بی هيچ اتهامی گروگان ماند. حتی پس از دستگيری رفيق جواد در کردستان، اعدامش کردند. رفيق منصور تنها قربانی نبود. در سال های ۶۰ و ۶۱ حدود ۱۲۰ نفر از رفقای ما بدون هيچ اتهام يا پرونده اي، در اينجا و آنجا به جوخه های اعدام يا به چوبه های دار سپرده شدند." این بخشی از نوشته ای است از فرخ نگهدار كه در شماره ٩٧ نشریه "آرش" درج شده است.

همزمان با افزایش میزان سرکوب، سرعت گرفتن دستگیری نیروهای اپوزیسیون و شکنجه و اعدام بسیاری از زندانیان سیاسی در اردیبهشت ۱۳۶۰ سازمان اکثریت در صفحه اول نشریه خود با تیتر درشت نوشت: "نظام حاکم بر زندان ها مبتنی بر شکنجه نیست". و در زمانی که هزاران زندانی سیاسی زیر وحشیانه ترین شکنجه ها بسر می بردند و رژیم هر روز خبر اعدام تعداد زیادی از آنها را منتشر می کرد، این سازمان در "بولتن تحلیل رویداد های ایران و جهان" خود نوشت: "زندانهای ایران هنوز انباشته از هزاران فریب خورده است که به علت همکاری با گروهک ها دستگیر شده اند. پتک واقعیات و روشنگری فعالانه نیروهای راستین مدافع انقلاب ، بنابه تأیید دادستان کل انقلاب ، اکثریت این افراد را بیدار کرده است و آنان رابه شناخت درست نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی ایران و خط انقلابی رهبری آن واقف ساخته است."

به گفته فرخ نگهدار اسدالله لاجوردی در بحبوحه كشت و كشتارهای دهه ٦٠، با اتاق جلسه دبیران این سازمان در تماس تلفنی بوده است. ما كه از تعداد دقیق كسانی كه این "اتاق فكر" به اسدالله لاجوردی و گیلانی و غیره معرفی كرده است، خبر نداریم. اما می دانیم كه سازمان فدائیان خلق ایران ـ اكثریت به اعضا و كادرهای خود دستور لو دادن فعالین سیاسی مخالف جمهوری اسلامی را داد. این را كادرهای بالای آن دوره سازمان اكثریت، كسانی مثل مسعود نقره كار و علی اكبر شالگونی بارها گفته اند.

در بخش دیگری از اعلامیه اخیر سازمان اكثریت آمده است:

رژيم ايران در دهه ٦٠ ضربه های جدی به اپوزيسيون وارد آورد. دستگيری اعضای سازمان های سياسی مخالف، زندانی و اعدام کردن آنها .... اما رژيم ايران به اين ضربه قناعت نکرد و ضربه دوم را وارد آورد: ... "ضدانقلاب" قلمداد کردن اپوزيسيون، زدن برچسب های مختلف از جمله اتهام وابستگی به دولت های خارجی ....

واقعیت این است كه در آن دوره مورد اشاره این اعلامیه، سازمان اكثریت خود را بخشی از "رژیم ایران" می دانست و مثل پاره ای از تن آن رژیم هم، مجدانه كار می كرد. برایش گوشت دم توپ برای جبهه بسیج می كرد. در تابستان سال ۵۹ اطلاعیه هواداران این سازمان در کرند غرب در نشریه کار منتشر شد که در آن از هواداران سازمان خواسته شده بود که با بوجود آوردن دستجات منظم برای سرکوب ضد انقلابیون به سپاه مراجعه کنند. در تابستان همان سال روزنامه کار خیر از شرکت هواداران سازمان در درگیری نظامی با "مزدوران پالیزبان و سایر عوامل امپریالیسم" داد. اتهام وابستگی به بیگانه، عامل امپریالیسم و صهیونیسم، مزدور پالیزبان و ضدانقلاب خواندن اپوزیسیون جمهوری اسلامی صرفا مختص رژیم نبود. اكثریت و حزب توده بسیار بیشتر از رژیمی های رسمی با این القاب و برچسبها اپوزیسیون و بویژه کمونیستها را مورد خطاب قرار می دادند. بسیاری از کمونیستها و آزادیخواهان با همین اتهامات در دادگاههای اسلامی به اعدام محکوم شدند. سازمان اكثریت در دهها اطلاعیه و مقاله و در شماره های متعدد نشریه هایش این اتهامات و القاب و برچسبها را درج و منتشر كرد. این "اسناد کهنه" هنوز باقی هستند و سازمان اکثریت در اطلاعیه اخیر نگرانی خود را از بابت این اسناد بیان می کند.

سازمان اکثریت درمرداد ۱۳۶۰ ضمن حمایت از دادگاههای انقلاب که تا آنزمان حکم اعدام صدها نفر را صادر کرده بود، از آن دادگاه درخواست کرد که "به همان نسبتی که شایسته است نسبت به رهبران این گروه ها برخورد جدی داشته باشند". نظیر این اطلاعیه با لحنی شدید تر نسبت به گروههای اپوزیسیون در بهمن ۶۰ از طرف سازمان اکثریت صادر شد. در سال ۱۳۵۹ با بالا گرفتن اعتراضات کارگری این سازمان کارگران را به "تداوم تولید و افزایش بازدهی کار" فراخوان داد و سرسپردگی خود را به سرمایه داری و حکومت سرمایه داران اعلام نمود. در همان سال با در صفحه اول نشریه خود عید قربان یعنی یکی از عقب مانده ترین و وحشیانه ترین مناسک اسلامی را به خمینی تبریک گفت.

اطلاعیه سازمان اكثریت درباره چرائی حمله "بدخواهان" چنین نتیجه می گیرد: "ما بر اين امر آگاهيم که اين برخوردها به سياست ها و جايگاه کنونی سازمان و تاثيرگذاريش بر روندهای سياسی بر می گردد. طبعا اگر سازمان جريان کوچک و کم تاثير در صحنه سياسی کشور بود، اين چنين مورد هجوم قرار نمی گرفت." كسی سازمان اكثریت را بعنوان یك جریان سیاسی تأثیرگذار، جدی نمی گیرد. دارد بیخود بخودش مدال می دهد. هنوز كه هنوز است، چشمشان به دهان خامنه ای است و منتظرند تا به آنها چراغ سبز نشان دهد. کمپینی که در افشای حزب توده و اکثریت و با شرکت تعداد زیادی از اعضای سابق این سازمانها به راه افتاده است، فقط بخاطر دفاع سیاسی (نه لو دادن مخالفین) اكثریت از جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی و یا بخاطر دفاع امروزش از سیاستهای نئولیبرالی و نئوكانی، بخاطر خزیدن زیر عمامه مهدی كروبی، خاتمی و رفسنجانی، بخاطر حمایت صریح از جنایتکاری نظیر خلخالی و دهها سیاست تهوع آور دیگر آنها نیست. اكثریت و حزب توده بعنوان جریانات كثیفی كه برای لاجوردی و خلخالی جاسوسی می كردند و نیروهای انقلابی و گاها كسانی را كه مظلومانه و بی منظور اطلاعیه ای از جریانی را مطالعه كرده بودند لو داده و به پای چوبه دار بردند، در بین اپوزیسیون منفورند، نه فقط بخاطر حمایت از جمهوری اسلامی و قوانین ارتجاعی آن.

رهبری این سازمان باید درباره لو دادن مخالفین سیاسی جمهوری اسلامی، جواب بدهد! صرفا در یكی دو جمع حزبی خود به "اشتباهات"! گذشته خود اعتراف كردن، كافی نیست. این جریان صدها شاكی خصوصی دارد. در یک جامعه متمدن اگر حزب و سازمانی یک صدم "اشتباهات" سازمان فدائیان خلق ـ اکثریت را مرتکب شود، خود را منحل می کند و دست اندرکاران آن به خود اجازه دخالت در امور سیاسی را نمی دهند. اما هر چند که بخش عمده این سازمان و رهبری آن در اروپا و آمریکا بسر می برد اما فرهنگ سازمان اکثریت، فرهنگ خمینی و ارتجاع اسلامی است، چنین انتظاری از آن نمی توان داشت.

٨ اوت ٢٠١٢